

عضویت جمهوری آذربایجان و گرجستان در ناتو و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین تفضلی^۱ و مسعود وطن دوست^۲

۱ استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که در ۴ آوریل ۱۹۴۹ با همکاری آمریکا و کشورهای اروپایی غربی به منظور مقابله با خطر روبه گسترش کمونیسم شوروی تاسیس شد، پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن خطر کمونیسم نه تنها از بین نرفت بلکه با بازنگری در اهداف و وظایف خود و تدوین استراتژی جدید گسترش به شرق را در دستور کار خود قرارداد. تمایل ناتو برای در برگرفتن کشورهای تازه استقلال یافته‌ی شوروی در زیر چتر حمایتی خود و همچنین علاقه‌ی این کشورها برای پیوستن به ساختارهای غربی موجب شد تا کشورهای منطقه‌ی قفقاز جنوبی به ویژه جمهوری آذربایجان و گرجستان تلاش خود را برای پیوستن به ناتو آغاز نمایند.

حضور ناتو در این کشورها به دلیل پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی مشترک و همچنین قرابت جغرافیایی و پیوستگی سرزمینی آنها با ایران به همراه تضاد منافع ایران با غرب، ناتو و در راس آن ایالات متحده‌ی آمریکا، امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است.

مسائلی همچون درگیری‌های قومی و منطقه‌ای، گسترش ایده‌ی پان‌ترکیسم، تشدید روند نظامی‌گری و مسابقه‌ی تسلیحاتی به ویژه در حوزه‌ی خزر، افزایش حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه، تثبیت و ترویج فرهنگ غربی، گسترش جرائم سازمان یافته و تسلط غرب بر منابع انرژی و خطوط انتقال آن، از جمله‌ی عواملی هستند که به واسطه‌ی حضور ناتو در کشورهای جمهوری آذربایجان و گرجستان، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در معرض تهدید قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: عضویت، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ناتو، امنیت ملی، تهدید

مقدمه

ایران در محیط پیرامونی خود، همواره با چالش‌های امنیتی متعددی روبرو بوده است که به صورت دائمی و به واسطه‌ی تحولات و روندهای منطقه‌ای باز تولید می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از منظر منطقه‌ای نیز در حوزه‌ای واقع شده است که هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق شده در آن وجود ندارد. به رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه‌ای در سراسر جهان به ویژه پس از پایان جنگ سرد، هنوز منطقه‌ی پیرامونی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی-مذهبی، جرائم سازمان‌یافته، دولت‌های ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که ایران در پیرامون خود با آنها روبروست.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک تغییر ژئوپولیتیک اساسی در مرزهای شمالی ایران بود که بر روند سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. در دوران‌های گذشته ایران همواره مورد تهدید نظامی و ایدئولوژیک شوروی قرار داشت اما ماهیت این تهدید شناخته شده بود. فروپاشی سیستم امنیتی شوروی موجب شد دولت‌های جدیدی که در شمال ایران جایگزین همسایه‌ی مقتدر قبلی شدند به دلیل بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و مناقشات مرزی و قومی که با آن‌ها درگیر بودند به یک منبع ناامنی در کنار مرزهای ایران تبدیل شوند.

با آغاز تحولات در بلوک شرق و از میان رفتن خطر نظامی پیمان ورشو، چنین به نظر می‌رسید که فلسفه‌ی وجودی ناتو هم از بین رفته باشد، اما تحولات دهه‌ی ۹۰ میلادی به ویژه بحران بالکان و جنگ کوزوو و حتی بروز جنگ‌های قومی در جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی شوروی، بهانه و توجیهات مناسبی برای تداوم حیات ناتو بود. لذا با فروپاشی شوروی نه تنها ناتو از بین نرفت بلکه برای تضمین بقا و ادامه‌ی حیات خود، گسترش به شرق تا آسیای مرکزی و قفقاز را در پیش گرفت.

در چنین شرایطی کشورهای تازه استقلال یافته نیز برای حل مشکلات سیاسی و امنیتی خود از گسترش ناتو به شرق استقبال نموده و خواستار ادغام در ساختارهای یورو-آتلانتیک شدند. مجموعه‌ی این تحولات موجب شد، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که حضور نیروهای نظامی ناتو و حوزه‌ی همکاری آن سازمان به اکثر کشورهای همسایه و مناطق مرزی آن گسترش یافته و منافع و امنیت ملی آن را تحت تأثیر قرار داده است، مسأله‌ی پیوستن کشورهای تازه استقلال یافته به ویژه کشورهای منطقه قفقاز به ناتو را مورد توجه جدی قرار دهد.

در این میان، همکاری نزدیک و در حال توسعه‌ی ناتو با کشورهای مستقل مشترک المنافع در شمال ایران به ویژه روابط رو به گسترش ناتو با جمهوری آذربایجان و گرجستان، نمونه‌هایی از حضور نظامی آشکار و پنهان ناتو در امتداد مرزهای ایران می‌باشند که علاوه بر تنزل نقش امنیتی کشورمان در منطقه، امنیت ملی، تمامیت ارضی و همبستگی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات و مخاطرات جدی مواجه ساخته است.

۱- تاریخچه ناتو

"سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با امضای موافقتنامه‌ی امنیت دسته‌جمعی موسوم به «پیمان آتلانتیک شمالی» از سوی ۱۲ کشور آمریکای شمالی و اروپا شامل: ایالات متحده‌ی آمریکا، ایتالیا، ایسلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، فرانسه، کانادا، لوکزامبورگ، نروژ و هلند، در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ در شهر واشنگتن پا به عرصه‌ی وجود گذاشت." (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶، ۱)

"در سال ۱۹۵۲ ترکیه و یونان به این سازمان پیوستند. جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۵ و اسپانیا نیز در سال ۱۹۸۲ به عضویت این سازمان درآمدند. بدین ترتیب با الحاق این کشورها، اعضای سازمان در دوران جنگ سرد به ۱۶ کشور افزایش یافت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نیز اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۹۰، جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) به عنوان بخش لاینفک کشور آلمان تحت حمایت امنیتی ناتو قرار گرفت. جمهوری چک، مجارستان و لهستان در سال ۱۹۹۹ به ناتو ملحق شدند. هفت کشور دیگر شامل بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلونی نیز در ماه مارس ۲۰۰۴ رسماً به عضویت پیمان درآمدند. (همان، ۳)

با این حال، در بیست و سومین نشست سران ناتو در استراسبورگ فرانسه و بادن بادن آلمان، که در آوریل ۲۰۰۹ و در شصتمین سالگرد تأسیس این سازمان برگزار شد، با تکمیل روند احراز شرایط از سوی آلبانی و کرواسی این دو کشور هم به عضویت رسمی ناتو در آمده اند. به این ترتیب اعضای سازمان از ۲۶ عضو به ۲۸ عضو افزایش یافت. در این میان مقدونیه هم تمامی روندهای اجرایی را طی کرده بود اما به علت اختلاف با یونان باوتوی این کشور مواجه و با وجود تلاش بسیار، این اختلاف مانع ورود مقدونیه به ناتو شد. اما نکته ی مهم در این زمینه تأکید ناتو بر تداوم «سیاست درهای باز» این سازمان در آینده است. و با توجه به دو دهه ی آینده با افزوده شدن این کشورها باید سازمانی با بیش از ۳۰ عضو را شاهد باشیم. (جاوید نیا، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۴)

گسترش ناتو به شرق

"مهم ترین و قابل بحث ترین اقدام ناتو در دهه ی ۹۰ و پس از فروپاشی شوروی سابق که به منظور اصلاحات در ساختار ناتو و با توجه به تحولات نظام بین المللی انجام پذیرفت، طرح توسعه ی ناتو به شرق بود. (دارمی، ۱۳۸۶، ۱۴۹)

"سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که مطابق ماده ی ۵ اساسنامه ی آن، سازمانی نظامی مبتنی بر دفاع دسته جمعی بوده است، متناسب با تحولات جدید در نظام بین الملل در دوره ی پس از جنگ سرد، با تجدید ساختار و تعریف مجدد از جایگاه خود در محیط نوین امنیت بین المللی، نقش یک سازمان نظامی - امنیتی به خود گرفته و تعریف جدیدی از مأموریت های خود در فضای نوین بین المللی ارائه کرده است. در چنین بستری با گسترش جغرافیایی و کارکردی این سازمان، حوزه ی اقدام آن از محدوده ی سنتی یعنی قلمروی اعضا فراتر رفته و به تدریج گسترش یافته و معیار و شاخص «تعرض به اعضا» به عنوان مکانیزم رجوع به دفاع دسته جمعی، جای خود را به «هرگونه تهدید علیه منافع اعضا» داده است. " (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۳۶)

"کشورهای قفقاز جنوبی پس از استقلال، به دلیل پیشینه ی تاریخی خود و پدیدار شدن فضای جدید سیاسی در منطقه و جهان، تلاش های زیادی برای کسب موقعیت جدید در منطقه و تنظیم پیوند های خارجی خود به عمل آوردند. تمایلات داخلی کشورها، همراه با علاقه ی قدرت ها برای حضور در منطقه و تحولات ناشی از فرو پاشی، از جمله عوامل تأثیر گذار در تحولات قفقاز و تنظیم روابط خارجی این کشورها می باشند. " (واعظی، ۱۳۸۶، ۷۴)

"این تحولات و عوامل تأثیر گذار از یک سو موجب واگرایی تدریجی جمهوری های قفقاز به ویژه دو جمهوری گرجستان و آذربایجان از روسیه و جامعه ی کشورهای مشترک المنافع (CIS) و از سوی دیگر باعث حضور بازیگران جدید به ویژه ایالات متحده و ناتو گردید. " (همان)

به هر حال پس از فروپاشی شوروی، فرصتی پدید آمد تا ناتو بتواند منطقه ی امنیتی خود را گسترش دهد و همانگونه که قبلاً اشاره شد، ناتو برای تحقق این امر به سه روش متوسل شد؛ یکی از طریق ایجاد «شورای همکاری آتلانتیک شمالی» و دوم با به اجرا گذاشتن طرح «مشارکت برای صلح» و نهایتاً با طرح «اقدام مشارکت انفرادی» کشورها با ناتو. (ابوالحسن شیرازی، حبیب... و دیگران، ۱۳۸۲، ۳۲۴)

لذا منطقه ی قفقاز جنوبی (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) از اهمیت ویژه ای برای ناتو برخوردار بوده و به نظر می رسد در آینده ی نزدیک، قفقاز مرز جدید ناتو و اروپا خواهد بود، بدین جهت شناخت منافع و اهداف ناتو در این منطقه بسیار حائز اهمیت میباشد. (دارمی، ۱۳۸۶، ۲۱۴)

به نظر می رسد فرایند گسترش ناتو به سمت قفقاز جنوبی در یک روند طولانی مدت تحقق خواهد یافت. از میان این سه کشور ارمنستان منافع بزرگی در ناتو ندارد و بنابراین به میزان دو جمهوری دیگر برای پیوستن به ناتو تلاش نکرده و نمی کند در مقابل کشورهای جمهوری آذربایجان و گرجستان، همواره خواهان مشارکت فعال و شرکت در برنامه های ناتو برای عضویت بوده اند و رهبران این کشورها از بدو استقلال همواره در تلاش بوده اند تا ضمن گسترش همکاری های خود با ناتو و نهایتاً عضویت در این پیمان به نوعی برای حل مشکلات داخلی و بین المللی خود اقدام نمایند. مسلماً پیوستن این کشورها به ناتو در

آینده امری محتوم و غیر قابل انکار بوده و با توجه به نزدیکی آنها به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، لزوم توجه هر چه بیشتر به مسأله‌ی عضویت آنها در ناتو، برای دولتمردان و سیاست‌گذاران کشورمان بیش از پیش احساس میشود.

۲- اهمیت ناتو برای آذربایجان و گرجستان

جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از سه کشور مهم واقع در منطقه‌ی قفقاز، از زمان استقلال خود (۱۸ نوامبر ۱۹۹۱)، در جستجوی همگرایی با ساختارهای یورو-آتلانتیک بوده و از سال ۱۹۹۴ وارد طرح «مشارکت برای صلح» سازمان ناتو شده است. این در حالی است که بیشتر کشورهای عضو ناتو، سیاست امنیتی مشترکی را در گسترش به سوی شرق دارند که کشور آذربایجان نیز در این راستا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. موقعیت ژئواکونومیکی و استراتژیکی قفقاز جنوبی و بویژه کشور آذربایجان، این منطقه را به مرز مشترک فضای امنیتی اروپایی و مرکز مهم اقتصادی و دالان حمل و نقل انرژی تبدیل نموده است. آذربایجان انگیزه‌های زیادی برای همکاری با ناتو دارد. به ویژه این کشور متقاعد شده است که ناتو میتواند نقش مهمی در پدیدآوردن صلح و ثبات در این کشور داشته باشد. (امیر احمدیان، ۱۳۸۴، ۳۴۰-۳۳۲)

طی سالهای گذشته، جمهوری آذربایجان استراتژی غرب‌گرایی و در چارچوب آن ناتو‌گرایی را به عنوان یگانه راه حل معضلات امنیتی خود در پیش گرفته و ضمن کاهش همکاری‌های خود با جامعه‌ی کشورهای مشترک المنافع معتقد است امنیت این کشور زمانی تأمین خواهد شد که با امنیت اروپا و غرب ادغام شود. در این راستا مقامات آذربایجان بارها اعلام کرده‌اند که همکاری با ناتو و آمریکا به منزله‌ی تضمین حاکمیت و استقلال آذربایجان است. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۸۷-۸۶)

"گرجستان نیز به عنوان دروازه‌ی ورودی قفقاز، استراتژی سیاست خارجی و امنیتی خود را الحاق به ساختارهای یورو-آتلانتیک به ویژه ناتو قرار داده است و در خلال بیش از یک دهه‌ی اخیر، این سیاست و استراتژی از سوی دولتمردان این کشور دنبال و همواره تشدید نیز گردیده است. برای کشور کوچکی مثل گرجستان، داشتن روابط با ناتو بسیار حائز اهمیت و حتی حیاتی است. کشوری نظیر گرجستان، با این هدف نه تنها بدنبال تقویت ساختارهای نظامی و امنیتی خود است بلکه بدنبال نایل آمدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و مدنی و رفع مشکلات داخلی خود نیز می‌باشد. به عقیده‌ی گرجی‌ها، عضویت گرجستان در ناتو نه تنها پرستیژی برای این کشور است، بلکه امنیت این کشور کوچک و ضربه‌پذیر در برابر روسیه را تضمین خواهد کرد و برای آن صلح و ثبات را نیز به ارمان خواهد آورد". (عسکری، حسن، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳)

کشورهای آذربایجان و گرجستان متقاعد شده‌اند که ناتو می‌تواند نقش مهمی در صلح و ثبات این منطقه ایفا نماید. به ویژه اینکه وجود کشمکشهای مزمن، خطر تجاوز از سوی روسیه و وجود حرکت‌های اسلامی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی کشورهای این منطقه محسوب می‌شوند. (رایت، ۲۰۰۰، ۲۶-۲۰)

۳- امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

"مسأله‌ی امنیت^۱ با وجود قدمت دیرینه‌اش، همواره یکی از مهمترین مسائل در امر مملکت‌داری و یکی از پیچیده‌ترین مسائل در میان مباحث علم سیاست و روابط بین‌الملل بوده و به همین خاطر مورد توجه سیاست‌مداران و اندیشمندان است." (سیف‌زاده، ۱۳۸۳، ۲۷)

"در چارچوب پارادایم رئالیسم، امنیت در اشکال سیاسی و نظامی به صورت حمایت از مرزها و حفظ تمامیت ارضی و ارزش‌های یک دولت در مقابل خطرات محیط بین‌المللی متخاصم تعریف می‌شود." (قوام، ۱۳۸۶، ۱۰۵)

امنیت ملی در واقع به معنای ایمن بودن و در امان بودن ملت است. بدیهی است که ملت زمانی از امنیت برخوردار است که تمامی نیازها و ارزش‌های حیاتی آن از خطر تهدیدهای مختلف و همه‌جانبه به طور نسبی در امان باشند و ارتقای کمی و کیفی زندگی مردم نیز متناسب با نیاز زمان و روند تحولات جهانی رشد فزاینده داشته باشد. بنابراین امنیت ملی برای هر کشوری به مفهوم وجود شرایطی نسبتاً پایدار است که در آن ارزش‌ها و منافع حیاتی کشور از خطر تهدیدهای گوناگون داخلی، خارجی و طبیعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به طور نسبی مصون بوده باشند. (تهامی، ۱۳۸۴، ۷۹)

^۱ - Security

از آنجا که اولویت اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز، مانند بسیاری از کشورها تحقق اهداف و منافع ملی خود است و از سوی دیگر تحقق این امر بدون تأمین امنیت ملی تقریباً غیر ممکن است، لذا ارائه ی تعریفی روشن از امنیت ملی ایران و شناخت عوامل مؤثر بر سیاست خارجی آن برای درک بهتر تهدیدات امنیت ملی و تلاش برای رفع آنها ضروری به نظر می رسد. گرچه ارائه ی تعریفی دقیق از امنیت ملی ایران بسیار دشوار است اما تعریف زیر نسبتاً جامع به نظر می رسد:

"امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتست از استقرار نظم و ثبات که مستلزم فقدان ترس و تهدید نسبت به حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام و ارزش های وابسته به آن، حفظ حقوق شهروندی و حفظ روابط منطقی با جهان به منظور تضمین توسعه ی پایدار ایران می باشد." (شربیانی، ۱۳۸۷، ۲۹۰)

جمهوری اسلامی ایران به واسطه ی بهره مندی از مختصات ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، همواره در عرصه ی سیاست خارجی با تهدیدها و فرصت هایی رو به رو بوده است. فرصت از این جهت که وجود عناصری همچون عمق استراتژیک، وسعت سرزمین، ناهمواری و ... توان چانه زنی ایران را در عرصه ی سیاست خارجی و معادلات امنیتی بالا برده است. اما از منظر تهدید، به جهت قرار گرفتن در مسیر بسیار حساس خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز، تهدیدات و چالش های گوناگونی را متوجه طراحان سیاست خارجی ساخته است. (مستکین، عبدالمهدی، همشهری دیپلماتیک، ش ۴۶)

"فضای سرزمینی و انسانی ایران به دلیل نقش و عملکرد حائلی، معبری، هیدروکربنی، مذهبی، قومی و زبانی و به ویژه نقش آن در ایجاد تعادل های امنیتی، مورد توجه استراتژی های ژئوپولیتیک پیرامونی و قدرت های منطقه ای مؤثر در این حوزه هاست و از این نظر آسیب پذیری شگفت انگیزی پیدا کرده است." (کریمی پور، ۱۳۷۹، ۲۰۱)

بنابراین محیط فعلی امنیت ایران، ناامن بوده و ایران مجبور به صرف هزینه هایی برای تأمین امنیت ملی خود و رفع تهدیدات مربوط به هویت ملی و سیاسی خود می باشد. لذا می توان نتیجه گرفت که رویکرد اصلی ایران در تأمین امنیت، فرا منطقه ای است. (سریع القلم، ۱۳۷۹، ۳۲)

حضور نظامی ناتو در مناطق مرزی ایران و روابط روبه گسترش این سازمان با کشورهای همسایه ی شمالی ایران، از جمله ی فشارها و تهدیداتی است که از ابعاد مختلف منافع و امنیت ملی ایران را با مخاطرات و تهدیدات جدی مواجه ساخته است. (شربیانی، ۱۳۸۷، ۲۹۸-۲۹۶)

۴ حضور ناتو در آذربایجان و گرجستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

"از زمان تشکیل دولت ملی در ایران، همواره یکی از دغدغه های فکری نظامهای سیاسی ایران، تهدیداتی بوده که از حوزه ی قفقاز جنوبی، دریای خزر و آسیای مرکزی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشور صورت گرفته است." (موسوی، سیدرسول، فصلنامه ی راهبرد دفاعی، ش ۹، ص ۳۱)

در دوران حیات شوروی، اگر چه ایران همواره مورد تهدید نظامی و ایدئولوژیک همسایه ی شمالیاش قرار داشت اما مشخص بودن ماهیت تهدید و کنترل شدید مرزها مانع از شیوع تحولات شوروی در ایران می شد اما امروزه با فروپاشی شوروی و تغییر ترتیبات امنیتی منطقه، فرایند شکل گیری ارتشهای ملی و دکترین های نظامی در کشورهای منطقه کاملاً قابل درک است. در چنین شرایطی دخالت قدرتهای خارجی در ترتیبات نظامی و امنیتی به ویژه حضور همه ی جانبه ی ناتو در منطقه و تأثیرگذاری آن بر مسائلی همچون منازعات کشورهای منطقه با یکدیگر، مسائل دریای خزر، درگیریهای قومی و مذهبی و بسیاری از موارد دیگر، لزوم توجه بیشتر مسئولان سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به تأثیر گذاری روند تداوم این حضور بر امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش آشکار می سازد. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۶۴-۱۶۲)

بنابراین لازم است به منظور روشن شدن ابعاد مختلف حضور ناتو در کشورهای شمالی ایران و برای درک دقیق تر چالش ها و خطراتی که از این ناحیه متوجه منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی ایران است، تأثیرات این حضور به تفکیک در دو کشور جمهوری آذربایجان و گرجستان مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱- حضور ناتو در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حضور قدرتهای فرامنطقه ای از جمله ناتو در جمهوری آذربایجان از جنبه های مختلف بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و روابط این دو کشور با یکدیگر را نیز متأثر می سازد. جمهوری آذربایجان به دلایل متعدد از اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی ایران برخوردار است؛ وجود اکثریت جمعیت شیعه در آن کشور، داشتن بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران، داشتن پیشینه ی فرهنگی و تاریخی مشترک با ایران به ویژه قومیت و زبان آذری، وجود منابع مشترک انرژی در دریای مازندران و به طور کلی قرار داشتن این کشور در حوزه ی تمدنی و ژئوپولیتیک ایران، به خوبی بیانگر این واقعیت است که حضور ناتو و متعاقب آن ایالات متحده ی آمریکا در این کشور موجب برهم خوردن توازن قدرت و به خطر افتادن منافع جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. (افشردی، ۱۳۸۱، ۳۶۴-۳۵۹)

نقطه ی آغاز احساس عدم امنیت متقابل از سوی ایران و آذربایجان از این جاست که آذربایجان امنیت خود را در خروج از نفوذ روسیه و پیوستن به غرب به ویژه ناتو دنبال می کند و در نقطه ی مقابل، ایران در محور پیوستگی با روسیه و دوری از محور آمریکا حرکت می کند. (همان، ۳۲۹)

"اصول ناتو در بدو تأسیس معطوف به حفاظت از آزادی، میراث مشترک بشری و تمدن بشری و تلاش برای تحقق اصول دموکراسی، آزادی های فردی و حکومت قانون تعبیر شده است".^۱

آذربایجان دارای یک جمهوری دموکراتیک غیر مذهبی است و برای هماهنگ ساختن بیشتر خود و به منظور کسب شرایط عضویت در ناتو برای دست یابی به یک دولت سکولار مورد نظر غرب تلاش می کند. بدیهی است که در چنین شرایطی و با تقویت حضور ناتو در جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی دینی که با نظام های سکولار غرب در تعارض قرار دارد در محدوده ی اهداف ناتو قرار گرفته و از روند گسترش آن متأثر خواهد شد. از آنجا که ایران از سوی غرب همواره در معرض اتهاماتی نظیر حمایت از تروریسم، تکثیر سلاحهای غیر متعارف و تلاش برای دست یابی به تسلیحات اتمی قرار گرفته و از سوی دیگر اتهامات مذکور جزء اهداف ناتو قرار می گیرند، لذا حضور و گسترش ناتو به قفقاز جنوبی و به ویژه جمهوری آذربایجان نه تنها دربردارنده ی ثبات برای ایران نیست بلکه موجب تشدید ناامنی و تهدید نظام سیاسی ایران به عنوان یک نظام که بر پایه ی جمهوریت و اسلامیت بنا شده و در تعارض با حکومت های دموکراتیک غیرمذهبی است، خواهد شد. (شربانی، ۱۳۸۷، ۳۰۶)

همچنین "جنگ قره باغ^۱ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، آشکارترین و جدی ترین تهدید برای امنیت ملی ایران محسوب می شود." (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۶۵)

جمهوری آذربایجان بر این باور بود که می تواند مناقشه ی قره باغ را با اتکا به غرب و به ویژه ناتو حل و فصل نماید. این دیدگاه به ویژه پس از رویداد ۱۱ سپتامبر و برجسته شدن نقش ناتو برای مبارزه با تروریسم تقویت گردید. مقامات باکو امیدوار بودند با تروریستی خواندن اشغال قره باغ توسط ارمنه، آن را در چارچوب مبارزه با تروریسم بین المللی مطرح نموده و از آمریکا و ناتو برای حل آن کمک بخواهند. آنها بر این نکته تأکید داشتند که سرمایه های نفتی منطقه نیاز به امنیت دارند و با مناقشه ی قره باغ امنیت منطقه به هم خورده است، بنابراین کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده و ناتو اقدام به باز پس گیری قره باغ و تنبیه ارمنستان خواهند نمود. آذربایجان با این اقدام خود زمینه ی حضور قدرتهای فرامنطقه ای به ویژه ناتو را در منطقه فراهم ساخت. (امیر احمدیان، بهرام، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹-۱۱۸)

به هر حال جمهوری آذربایجان با موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود که در منطقه ی قفقاز دارد و با ادامه ی روند همکاری خود با ناتو و آمریکا به عنوان یک همسایه ی شمالی که دارای مرز زمینی با ایران است، تهدیداتی را متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ساخته است. از جمله این کشور سعی نموده است عدم موفقیت خود در حل این مناقشه را با متهم

^۱ . <http://www.semmuna.org/nato.htm>

^۱ - قره باغ سرزمینی کوهستانی است که در ترکیب کشور آذربایجان قرار دارد. مرکز آن شهر خانکندی است و ارمنستان نیز این منطقه را جزو وحدت جغرافیایی خود می داند.

کردن ایران به کمک به آرامنه توجیه نماید تا از این طریق مشکلات داخلی خود را فراکنی کند و همچنین به توجیه همکاری های خود با ترکیه، اسرائیل و امریکا نزد افکار عمومی کشورش بپردازد. تداوم این روند همچنین می تواند زمینه ای تبلیغاتی بویژه در بین مردم نا آگاه ایجاد کرده و با دامن زدن به اختلافات قومی زمینه ی تهدید امنیت ملی ایران را فراهم آورد. (همان، ۳۶۶-۳۶۴)

یکی دیگر از عوامل عمده ی بی ثباتی میان جمهوری های قفقاز و کشورهای منطقه، پس از فروپاشی شوروی، مسأله ی تبلیغات پان ترکیستی و به تبع آن پان آدریستی بوده است. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۷۱)

"کشوری مانند جمهوری آذربایجان اگر به عضویت ناتو در آید، توان عملیاتی بسیار وسیع تری نسبت به گذشته در دنبال نمودن جاه طلبی های خود خواهد داشت، مثل ادعا نسبت به ایجاد آذربایجان متحد." (قامت، ۱۳۸۷، ص ۳۴)

در چنین شرایطی ناتو می تواند با استناد به اساسنامه ی خود و منشور سازمان ملل، برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و منطقه ای وارد عمل شده و حتی در امور داخلی ایران به بهانه ی مسائل قومی دخالت کند. (کولائی و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۰۳)

لذا به نظر می رسد، اگر چه اتحاد آذربایجان ایران با جمهوری آذربایجان به دلیل جمعیت کمتر آنها نسبت به آذری های ایران و پایبندی عمیق آذری های ایران به ارزش های ملی و فرهنگ و تمدن ایرانی بسیار بعید است، اما کوبیدن بر طبل وحدت آذری های و گسترش ایده ی پان ترکیسم از سوی جمهوری آذربایجان که با تحریک ترکیه به عنوان یکی از اعضای اصلی ناتو صورت می گیرد می تواند با گشودن پای ناتو در منطقه به ویژه ایالات متحده امریکا، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران را به مخاطره افکنده و از آن به عنوان عاملی برای مخدوش ساختن وحدت ملی ایران و تضعیف آن در برابر دشمنان و به نوعی خوش خدمتی برای اعضای ناتو و ایالات متحده به منظور پذیرش عضویت خود در ناتو استفاده نماید.

تا پیش از فروپاشی شوروی تنها دو کشور ایران و شوروی در حاشیه ی دریای خزر حضور داشتند، اما با فروپاشی شوروی به جز حضور ایران در حاشیه ی جنوبی، کشورهای فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، در سواحل شمالی، شرقی و غربی دریا پدید آمدند. (ملکوئیان، ۱۳۷۹، ۹۳-۹۲)

بدون شک، مسأله ی خزر برای جمهوری اسلامی ایران یک مسأله ی امنیتی است. مسائلی همچون گسترش ناتو به این منطقه و حمایت از برخی کشورها، تلاش بیگانگان به ویژه آمریکا برای نظامی کردن دریا، اقدامات برخی کشورها برای بهره گیری یک سوبه از منابع اقتصادی دریا، اختلافات میان کشورها بر سر تعیین رژیم حقوقی دریا و مسیرهای خطوط لوله ی نفت و گاز و آلودگی زیست محیطی خزر، از جمله ی عواملی است که بر نگرانیهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه افزوده است. (واعظی، ۱۳۸۷، ۲۹۸)

"بهانه های چون مبارزه با تروریسم، تأمین امنیت خط لوله ی باکو- تفلیس- جیهان و ... محملی بر ادامه و گسترش حضور نظامی غرب در منطقه است. اما پیامدهای این حضور عبارتست از: شکل گیری دو گونه صف بندی با شرکت ایالات متحده، ناتو، ترکیه، آذربایجان، گرجستان و اسرائیل در یک سو و روسیه، ایران و ارمنستان از سوی دیگر و نظامی شدن منطقه ی قفقاز و دریای مازندران یعنی آنچه که ایران و برخی کشورهای منطقه آن را به نفع منطقه و مصالح آن نمی دانند اما در مقابل عاملان آن با اقداماتی نظیر برگزاری مانورهای نظامی و پاره ای اقدامات دیگر بر سرعت و شتاب آن می افزایند و در سایه ی آن اهدافی را تعقیب می کنند." (مشفق فر، ۱۳۸۳، ص ۴۲)

لذا به نظر می رسد، گسترش ناتو به شرق و سپس منطقه ی خزر، کشورهای این منطقه از جمله آذربایجان را زیر چتر حمایتی کشورهای غربی به ویژه امریکا قرار می دهد و بر موقعیت نسبی مساعد ایران در این منطقه تأثیر منفی برجای می نهد. به گونه ای که لزوم استقرار دائمی بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی ایران در مرزهای شمالی صرف امکانات زیادی را می طلبد و ضمن تأثیر بر دیدگاه و روابط خارجی کشورهای منطقه نسبت به ایران، زمینه ی سردی روابط و احتمالاً مواجهه ی آنها با ایران را فراهم می سازد و این همان چیزی است که امریکا و اسرائیل برای «مهار انقلاب اسلامی» به دنبال آن هستند. (ملکوئیان، ۱۳۷۹، ص ۹۶)

علاوه بر این قاچاق مواد مخدر و سلاح، تروریسم، افراط گرایی، رشد مفاسد اجتماعی، گسترش ایدز و ... از جمله مسائلی هستند که رشد آنها در منطقه ی آسیای مرکزی و قفقاز و به ویژه کشور جمهوری آذربایجان به همراه مداخلات قدرتهای فرامنطقه ای از جمله ناتو و ایالات متحده به طور فزاینده ای منافع و امنیت کشورهای منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف تهدید می کنند. (واعظی، ۱۳۸۶، ۱۸)

همچنین اسرائیل با همکاری ترکیه و امریکا اهداف توسعه طلبانه‌ای در منطقه ی قفقاز دنبال می کند که بخش عمده ای از آنها برای منزوی کردن ایران، جلوگیری از گسترش همکاری های جمعی در منطقه و استفاده از اراضی کشورهای منطقه برای انجام اقدامات ضد امنیتی است. برای نمونه رژیم صهیونیستی با اجاره ی اراضی جنوبی جمهوری آذربایجان در نزدیکی مرز ایران به بهانه ی کشاورزی، اقدام به نصب تجهیزات مخابراتی و دستگاههای شنود برای جاسوسی نموده است. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۴۸۶-۴۵۸)

به نظر می رسد حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان در سایه ی حمایت های ناتو و ایالات متحده، خطرات و تهدیدهای گسترده ای را برای امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران بدنبال خواهد داشت و با توجه به توان نزدیکی فیزیکی به ایران از طریق آذربایجان از هر فرصتی برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران دریغ نخواهد کرد. تشدید نا امنی های فوق در منطقه ی قفقاز و کشور آذربایجان که در همسایگی ایران قرار دارد، با گسترش حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای مانند ناتو، نه تنها کاهش نخواهد یافت، بلکه قدرتهای غربی و به ویژه امریکا و اسرائیل که بدنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و ارزش های حاکم بر آن هستند، از ضعف کشورهای منطقه در کنترل این نا امنی ها بر علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهند کرد.

۵-۲- حضور ناتو در گرجستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اگر چه گرجستان در مقایسه با آذربایجان هیچ مرز مشترکی با ایران ندارد، اما این امر مانع از اهمیت این کشور برای ایران نمی شود زیرا علاوه بر اهمیت ژئواستراتژیکی و اقتصادی، نقش تعیین کننده ای به عنوان مسیر جایگزین ارتباطی میان ایران و اروپا دارد. گرجستان تنها دولت قفقاز است که به دریاهای آزاد راه داشته و می تواند با اتصال به کریدور^۱ ایران به کانون ارتباطات و حمل و نقل منطقه‌ای تبدیل شود و ایران نیز از طریق آذربایجان یا ارمنستان به بندر پوتی^۲ در دریای سیاه می پیوندد. (شربانی، ۱۳۸۷، ۳۱۸)

به باور بسیاری از کارشناسان، حضور ناتو در منطقه و نفوذ آن بر کشورهای نظیر گرجستان می تواند ضمن محروم ساختن ایران از دسترسی به راه های حمل و نقل و راه آهن قفقاز و دریای سیاه، سبب تسهیل حضور بیگانگان در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران شده و مانع نقش آفرینی مؤثر ایران در منطقه گردد. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۱۱۰-۹۹)

گرجستان نیز همانند جمهوری آذربایجان، پیوستن به ناتو را کلید حل مشکلات امنیتی خود تلقی میکند. مهم ترین مشکلات امنیتی این کشور عبارتند از؛ تداوم گسترش تجزیه طلبی در آبخازیا و اوستیای جنوبی، نگرانی از تهاجم روسیه به مرزهای شمالی به بهانه ی مبارزه با جدایی طلبان چچنی و حمایت روسیه از جدایی طلبان آبخازیا و اوستیای جنوبی. (همان، ۱۰۲)

همان گونه که در بحث مربوط به آذربایجان گفته شد، یکی از پیامدهای اولیه ی گسترش ناتو به منطقه ی آسیای مرکزی و قفقاز، ترویج و تثبیت شاخص های فرهنگ غربی می باشد، به طوری که تأثیرپذیری مثبت یا منفی ایران از روند فوق اجتناب ناپذیر است. کشور گرجستان به جهت برخورداری از اکثریت مسیحی، توان بیشتری برای مطابقت با فرهنگ غرب و الگوپذیری از آن دارد، کما اینکه گرجستان به علت موفقیت بیشتر در همین تطابق، گام های بیشتری را نسبت به آذربایجان برای پیوستن به ناتو برداشته است. از این رو به نظر می رسد گسترش فرهنگ غربی در گرجستان می تواند با ایجاد موج اسلام ستیزی و مخالفت با ارزشهایی که انقلاب اسلامی ایران مروج آنها در منطقه است، موجب تهدید ماهیت نظام سیاسی و تأثیر منفی بر امنیت ملی ایران گردد.

^۱- Corridor (دالان)

^۲- Poti

پس از حادثه ی ۱۱ سپتامبر و درست پس از نوامبر ۲۰۰۳، منطقه ی قفقاز و آسیای مرکزی شاهد پدیده ی جدیدی به نام انقلاب رنگین گردید. وجه مشخصه ی اصلی این انقلاب و موارد مشابه آن در دیگر کشورها، طراحی آن توسط قدرتهای بزرگ و مشخصاً آمریکا و اجرای این سناریو توسط سفیر متبوع خود در کشور هدف است. بر اساس این سناریو مخالفان تجهیز و هدایت می شوند و از آنها برای به قدرت رساندن رهبران جدید، از راههایی نظیر تقلب در انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری استفاده می شود. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۱۵۶-۱۵۵)

اوج این انقلاب در گرجستان در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۳ بود که مخالفان «ادوارد شوارد نازده»، رئیس جمهور گرجستان به بهانه ی تقلب در انتخابات پارلمانی، با اعتراضات و راهپیمایی های خود او را مجبور به استعفا کرده و «میخائیل ساکاشویلی» را که از مخالفان دولت و مورد حمایت آمریکا و غرب بود به قدرت رساندند. پشت پرده ی این ماجرا، آمریکا و غرب قرار داشتند که برای افزایش حضور اقتصادی و نظامی خود و ایجاد کمربند امنیتی به دور روسیه و کاهش اقتدار و نفوذ روسیه در «خارج نزدیک»^۱ تلاش می کردند. (همان، ۱۶۵-۱۵۸)

لذا به نظر می رسد، اقداماتی نظیر آنچه در گرجستان رخ داد و ایجاد انقلابات به اصطلاح مخملی که بدون دخالت عامه ی مردم و با حمایت بیگانگان در یک کشور صورت می گیرد، دستور کار غرب و به ویژه آمریکا به عنوان قدرت درجه ی یک ناتو برای مقابله با کشورهایی است که در جهت مخالف با سیاستهای آنها حرکت می کنند، گسترش این نوع اقدامات از سوی غربی ها مسلماً خطری جدی برای امنیت ملی و ماهیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. چنانچه در حوادث پیش آمده پس از برگزاری دهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری ایران که در ۲۲ خرداد ۸۸ برگزار شد و به دنبال حمایت صریح غربی ها به ویژه آمریکا از آشوبگران، مشخص شد که غربی ها بدنبال تکرار سناریویی مشابه گرجستان در ایران می باشند.

حرکت های جدایی طلبانه در گرجستان (از جمله مناقشات اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا) از عوامل زیادی نظیر عدم رسیدگی دولت مرکزی به وضعیت اقتصادی این مناطق، ذهنیت منفی تاریخی، تحرکات عوامل خارجی نظیر روسیه، و وجود مرز تحمیلی که از دوران شوروی و تزارها به ارث رسیده است، تأثیر پذیرفته اند. " (همان، ۱۳۸۴، ۴۵۲)

یکی از دلایل پیدایش بحران اوستیای جنوبی تلاش ناتو برای گسترش به شرق بود. از آنجا که طبق اساسنامه ی ناتو، کشوری که در درون مرزهایش مشکل حاکمیتی دارد، نمی تواند عضو ناتو شود، لذا گرجستان سعی داشت تا از این طریق مشکلات درونی اش را حل و فصل نموده و شرایط لازم برای عضویت در ناتو را کسب نماید. ساکاشویلی تصور می کرد که در اوستیای جنوبی هم می تواند مانند آبخازیا، مشکلاتش را با توسل به زور حل و فصل نماید، اما در عمل اینگونه نشد. (کوهکن، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹-۲۱۸)

حضور و نفوذ قدرتهای فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا به عنوان اصلی ترین عضو ناتو در بحران اوستیا، به وضوح تهدیدی بر علیه منافع و اهداف ایران بود. چرا که کاهش نفوذ و اقتدار روسیه گرچه ممکن است به ایفای مؤثرتر نقش ایران در منطقه ی قفقاز جنوبی بینجامد اما یک روسیه ی قوی ممکن است به لحاظ بین المللی در مقابل غرب برای ایران مفید باشد. از سوی دیگر چنانچه ساختار امنیتی دو قطبی با حضور آمریکا و ناتو از یک طرف و روسیه از سوی دیگر در منطقه شکل گیرد به دلیل آنکه ظرفیت تنش و مناقشه را افزایش میدهد با مواضع جمهوری اسلامی همخوانی ندارد. به همین دلیل است که مدل امنیتی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران، حل معضلات منطقه با حضور قدرتهای منطقه‌ای است و دخالت قدرتهای خارجی را منشأ بی ثباتی و تنش تلقی میکند. (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱-۱۰)

لذا به نظر می رسد، اگر چه حل مقطعی مناقشات آبخازیا و آجاریا با توجه به کمی حدت آنها نسبت به مناقشه ی اوستیای جنوبی، از سوی دولتمردان گرجستان و با توسل به حمایت های غرب، قابل تصور است، لیکن بر هیچ کس پوشیده نیست که اختلافات قومی و زبانی در منطقه ی قفقاز و به ویژه گرجستان یک تهدید بالقوه برای این منطقه به شمار میرود که با کوچکترین جرقه‌های، شعله ور شده و منطقه را نا امن خواهد ساخت. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل پیوند عمیق فرهنگی و تاریخی و قرابت جغرافیایی با این منطقه، مسلماً از پیامدهای این ناامنی در امان نخواهد بود. از آنجا که اولویت مسیر انتقال

^۱ - «خارج نزدیک» عنوانی است که روسها برای جمهوری های سابق شوروی در سیاست خارجی خود به کار می برند.

انرژی ایران به اروپا در آینده مسیر ایران-ارمنستان-گرجستان، به جای استفاده از مسیر فعلی از طریق ترکیه میباشد و همچنین با توجه به تأثیرات جدی حضور نیروهای ناتو در قفقاز و در کنار مرزهای شمالی ایران، همراهی یا عدم همراهی گرجستان با ناتو در افزایش یا کاهش تهدیدات علیه ایران به ویژه در زمینه انتقال انرژی ایران به اروپا اهمیت ویژه ای برای ایران دارد. (افشردی، ۱۳۸۱، ۳۹۹-۳۹۸)

به نظر می رسد حضور ناتو در منطقه قفقاز و به ویژه گرجستان، تهدید مهمی برای جمهوری اسلامی ایران به ویژه از بعد اقتصادی خواهد بود. از سوی دیگر علاوه بر محروم ماندن ایران از مزایای اقتصادی این امر، بی توجهی غربی ها به روسیه و کنار زدن این کشور از معادلات مربوط به انتقال انرژی (که نمونهی آن در قرارداد نابوکو مشاهده شد)، نشانهی اطمینان اروپایی ها و کشورهای منطقه قفقاز از توانایی ناتو برای تأمین امنیت این مسیر و به تبع آن تحکیم و تثبیت حضور ناتو در منطقه است. بی شک تداوم حضور ناتو، علاوه بر تهدید اقتصادی موجب تهدیدات متعدد دیگر از جمله تهدیدات سیاسی - امنیتی برای ایران خواهد شد و با وجود مخالفت ایران با امریکا و توسعهی نفوذ این کشور در منطقه، موقعیت منطقیهای ایران نیز بیش از گذشته تضعیف خواهد شد.

"طی سالهای گذشته روابط رژیم صهیونیستی با گرجستان نیز روند صعودی داشته است. موقعیت استراتژیکی و همچنین واقع شدن این کشور در بطن طرح های غربی انتقال انرژی نظیر باکو-جیهان و باکو - تفلیس-ارزروم - همراه با دیدگاه غرب گرایانه ی گرجستان، از دلایل علاقه مندی غرب به حضور در گرجستان است". (کاظمی، ۱۳۸۴، ۴۸۸)

اسرائیل در تلاش است تا با نزدیک تر کردن خود به کشورهای منطقه قفقاز دایرهی حضور و نفوذ ایران را در این منطقه تنگ تر نموده و ضمن تهدید منافع اقتصادی ایران به مقابله با نفوذ سیاسی و گسترش اسلام گرایی از سوی ایران بپردازد. از آنجا که فعالیت های اسرائیل در این زمینه مورد تأیید و حمایت امریکا می باشد، افزایش حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز و بویژه کشور گرجستان با خطرات و تهدیدهای مهمی بر علیه ایران همراه خواهد بود.

مجموعهی عوامل فوق موجب می شود که ایران از لحاظ امنیتی در وضعیتی قرار گیرد که نتواند نقش سازندهی خود را در تحولات منطقیهای ایفا نماید. حضور ناتو در این منطقه موجب افزایش خرید تسلیحات از سوی این کشورها و بالطبع بالا رفتن توان نظامی آنها شده و توازن نظامی را در منطقه به زیان ایران تغییر خواهد داد. مسلماً در چنین شرایطی ایران ناچار خواهد بود برای حفظ این توازن به سرمایه گذاری بیشتر در امور نظامی و خرید تسلیحات اقدام نماید که این اقدام به خودی خود موجب ایجاد مشکل اقتصادی و فشار بر اقتصاد ملی خواهد شد. (قامت، ۱۳۸۷، ص ۳۹-۳۸)

نتیجه گیری و پیشنهادات

در میان کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، آذربایجان و گرجستان تلاش بیشتری برای پیوستن به ناتو از خود نشان داده و با پیگیری سازو کارهای موجود و انطباق خود با شرایط مورد نظر، درصدد کسب شرایط لازم برای عضویت رسمی در این سازمان می باشند.

در مجموع می توان گفت مسائلی همچون درگیری های قومی و منطقه ای نظیر مناقشات قره باغ، اوستیای جنوبی و آبخازیا، گسترش ایده ی پان ترکیسم، نظامی شدن دریای خزر و کاهش نقش ایران در انتقال منابع انرژی، گسترش همکاری این کشورها با امریکا و اسرائیل، تشدید روند نظامی گری و مسابقهی تسلیحاتی، ترویج و تثبیت فرهنگ غربی در این کشورها و گسترش جرائم سازمان یافته به همراه دخالت بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و تضاد منافع آنها با مواضع و اهداف جمهوری اسلامی ایران از جمله ی عواملی هستند که به واسطه ی گسترش حضور و نفوذ ناتو در منطقه ی قفقاز جنوبی و به ویژه کشورهای جمهوری آذربایجان و گرجستان، امنیت ملی و منافع ایران را در معرض تهدید قرار داده اند.

با عنایت به آنچه گفته شد موارد و پیشنهاداتی به منظور کمک به صاحب نظران و دانش پژوهان در این زمینه ارائه می گردد:

۱- با توجه به اینکه عضویت کشورهای جمهوری آذربایجان و گرجستان در ناتو در آینده ای نه چندان دور تحقق خواهد یافت، لذا تداوم حضور ناتو و گسترش آن در منطقه حتمی است. بنابراین ایران باید از هر عاملی که موجب افزایش تنش و درگیری در منطقه می گردد خودداری نموده و با توجه به دیدگاه مثبت برخی کشورهای اروپایی نسبت به ایران، با توسعه ی روابط

خود به صورت منطقی و حساب شده با اتحادیه ی اروپا و اطمینان بخشی به آنها در زمینه ی مبارزه با تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی، از تیزی لبه ی تیغ امریکا و ناتو بر علیه منافع و امنیت ملی خود بکاهد.

۲- همسوئی بیشتر منافع روسیه و چین با ایران در بسیاری زمینه ها نظیر مسأله ی پان ترکسیم و مخالفت با حضور امریکا و گسترش ناتو در منطقه ایجاب می کند که ایران برای کاهش تأثیرات رو به گسترش حضور ناتو در منطقه نسبت به امنیت ملی خود، نزدیکی بیشتر با این کشورها را در دستور کار خود قرار دهد. همکاری استراتژیک و راهبردی ایران با روسیه، چین و حتی هند و توسعه ی سیاست نگاه به شرق از سوی ایران می تواند مانع اعمال نفوذ بیشتر غرب و سایر بازیگران مانند امریکا، ترکیه و اسرائیل گردد.

۳- عضویت نداشتن ایران در نهادهای امنیت منطقه ای، هزینه ی تأمین امنیت ما را بالا می برد و بر آسیب پذیری ایران در مقابل تهدیداتی نظیر ناتو می افزاید. ایران می تواند به کمک چین، روسیه، هند و سایر کشورهای شرقی با تشکیل یک اتحادیه ی سیاسی- نظامی قوی با توان بازدارندگی مؤثر، ضمن ایجاد توازن قوا در برابر ناتو و کاهش تهدیدات علیه امنیت ملی خود، از هزینه های تأمین امنیت خود بکاهد. از جمله اقدامات مثبت ایران در این زمینه تاکنون شرکت ایران در اجلاس شانگهای به عنوان عضو ناظر است که مسلماً می تواند زمینه ساز روابط بیشتر ایران با این کشورها باشد.

۴- حضور رو به گسترش ناتو در منطقه موجب می شود که دریای خزر همچنان به عنوان یک منطقه ی حساس در عرصه ی بین المللی باقی مانده و روند رقابت های نظامی و استراتژیک در آن افزایش یابد. بنابراین لازم است ایران هر چه زودتر با کمک کشورهای ساحلی خزر با روشن کردن وضع رژیم حقوقی این دریا موجب کاهش تنش و رقابت نظامی در منطقه شده و از تضییع حقوق خود به ویژه در زمینه ی بهره برداری از منابع جلوگیری نماید.

۵- ایران می تواند با ادامه ی سیاست تنش زدایی در منطقه و روابط توأم با صلح و دوستی با همسایگان، ضریب امنیتی خود را بالا ببرد. لذا ایران باید از هر گونه اقدامی که باعث تحریک احساسات قومی و نژادی در منطقه می شود خودداری نموده و با توسعه ی همکاری های منطقه ای با همسایگان به ویژه در قالب سازمان اکو و همچنین ایجاد شرایط ویژه برای صدور کالاهای این کشورها از طریق بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس، ضمن جبران زیان اقتصادی ناشی از عدم انتقال انرژی به اروپا از خاک خود، موجب تقویت همکاری منطقه ای و کاهش تهدیدات امنیتی ناتو گردد.

۶- پیشنهادات اخیر ناتو به ایران برای همکاری با این سازمان، به ویژه استفاده از مسیر ایران برای ارسال کمک های ناتو از خلیج فارس به افغانستان و همچنین دعوت از ایران برای شرکت در اجلاس جی ۸، نشانگر اهمیت استراتژیک ایران برای ناتو می باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران می تواند با بهره گیری مؤثر از این فرصت ها، توأم با حفظ اقتدار و تحکیم جایگاه خود در منطقه، از شدت تهدیدات ناتو بر علیه امنیت ملی خود بکاهد.

منابع:

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله و مجیدی، محمدرضا، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، نشر قومس.
۲. افشردی، محمد حسین، ژئوپولیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، چاپ اول، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده ی فرماندهی و ستاد، دوره ی عالی جنگ.
۳. امیر احمدیان، بهرام، امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو، تابستان ۱۳۸۲، فصلنامه ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ی ۴۲.
۴. امیر احمدیان، بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، نگاه آذری ها به ایران، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. تهامی، مجتبی، امنیت ملی، داکترین، سیاستهای دفاعی و امنیتی، ۱۳۸۴، جلد اول، چاپ اول، تهران، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، معاونت فرهنگی، مدیریت انتشارات.

۶. جاویدنیا، کیومرث، گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، کتاب اروپا (۲)، ویژه‌ی روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۷. دارمی، سلیمه، ناتو در قرن بیست و یکم، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازنگری و پارادایم ائتلاف، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. سیف‌زاده، سیدحسین، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. شریبانی، قوام، امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. عسکری، حسن، چشم‌انداز و دورنمای الحاق گرجستان به ناتو و پیامدهای آن بر کشورهای منطقه، بهار ۱۳۸۷، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۶۱.
۱۳. قامت، جعفر، گسترش ناتو به شرق (آسیای مرکزی و قفقاز) و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۸۷، مجله‌ی دانشنامه‌ی فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شماره ۷۰.
۱۴. قوام، عبدالعلی، چالش‌های نظری پیرامون امنیت ملی و بین‌المللی، بهار ۱۳۸۶، فصلنامه‌ی مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره‌ی ۴.
۱۵. کاظمی، احمد، امنیت در قفقاز جنوبی، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۶. کریمی، هوشنگ، ناتوی جهانی (ارزیابی جایگاه ناتو در محیط بین‌الملل)، اسفند ۱۳۸۶، همشهری دیپلماتیک، شماره‌ی ۲۳.
۱۷. کریمی پور، یدا...، ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاددانشگاهی.
۱۸. کولابی، الهه و تیشه یار، ماندانا و محمدی محمود، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۹. کوهکن، علیرضا، بحران گرجستان و قدرتهای حاضر در منطقه، پاییز ۱۳۸۷، فصلنامه‌ی راهبرد یاس، شماره‌ی ۱۵.
۲۰. مرادی، منوچهر، جنگ در قفقاز، امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۸۷، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۶۳.
۲۱. مستکین، عبدالمهدی، متغیرهای تأثیرگذار بر جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همشهری دیپلماتیک، شماره‌ی ۴۶.
۲۲. مشفق‌فر، ابراهیم، تحولات نظامی قفقاز جنوبی و نقش قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تابستان ۱۳۸۳، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۴۶.
۲۳. ملکوتیان، مصطفی، حوزه‌ی خزر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۷۹، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۹.
۲۴. موسوی، سید رسول، تحولات امنیتی- نظامی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، شماره‌ی ۹.

۲۵. واعظی، محمود، ژئوپولیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان ها و بازیگران)، ۱۳۸۷، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۶. واعظی، محمود، چالش ها و دورنما (رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی)، اسفند ۱۳۸۶، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۳.

۲۷. هاشمی، غلامرضا، امنیت در قفقاز جنوبی، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

28. [http:// www. semmuna. org / nato. htm](http://www.semmuna.org/nato.htm)

29. Wright. J, Gorgia, Might Find its only Defense in Nato, the Russia journal weekly Monitor, (March 2000).